

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱

هزار و سیصد و هشتاد و یک - نیمسال اول

مقالات

- قانون تجارت ایران و ضرورت بازنگری در آن
- توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست
- تأملاتی در باب جایگاه قانونی شورای عالی اداری و مرتبه مصوبات آن
- شروط تحمیلی از دیدگاه قواعد عمومی قراردادها
- تعامل میان حقوق و سیاست بین‌الملل

موضوع ویژه: حقوق رسانه‌ها

- میزگرد راجع به جرایم مطبوعاتی
- حدود قانونی آزادی رسانه‌ها در زمان جنگ: ایالات متحد آمریکا
- رژیم مسئولیت مدنی و کیفری رسانه‌ها در حقوق فرانسه
- دادرسی دعاوی مطبوعاتی در حقوق انگلستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

گزارش و معرفی

- گزارشی از اولین کنفرانس آموزش و تحقیق حقوق بین‌الملل در آسیا
- آشنایی با مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44938.html

توسعه‌ی مسؤولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست

دکتر سیدقاسم زمانی

چکیده: یکی از اسباب توسعه قواعد حقوقی مقابله با تهدیدهایی است که سلامت محیط زیست و در نتیجه حیات انسان را به مخاطره می‌افکند. حقوق بین‌الملل محیط زیست با اینکه چند صباحی از عمر آن نمی‌گذرد و شاخه‌ای جوان از حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود ولی توانسته است بسیاری از بخشهای نظام حقوقی بین‌المللی (مثل حقوق بشر و حقوق بین‌الملل اقتصادی) را با تلاطمی جدی مواجه سازد. به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل محیط زیست سهمی بسزا در بسط و گسترش حقوق مسؤولیت بین‌المللی داشته است. مطرح شدن بحثهایی چون مسؤولیت عینی و مسؤولیت ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل، تا حدی حاصل تأثیر حقوق بین‌الملل محیط زیست بر نظام مسؤولیت بین‌المللی بوده است.

واژگان کلیدی: مسؤولیت بین‌المللی، خسارت، حقوق بین‌الملل، تقصیر، مشترکات جهانی، غرامت.

مدخل بحث

تأثیر انسان بر محیط زیست پیرامون خود عمری به قدمت حیات بشری دارد، اما تخریب و نابودی آن به دنبال انقلاب صنعتی و افزایش سریع جمعیت به نحوی خطرناک شدت یافته است. پیشرفت علم و فناوری، از طرفی انسان را قادر ساخت تا طبیعت را مقهور خود سازد و از طرف دیگر موجب انهدام تدریجی اما مستمر محیط زیست گردید. تحقیقات علمی نشان داده که «اجزای مختلف محیط زیست (دریاها، رودخانه‌ها، هوا، خاک، حیوانات و گیاهان) همه به یکدیگر وابسته و مرتبط هستند»^۱ و به لحاظ وحدت و یکپارچگی همین عناصر زیست محیطی،^۲ هر نوع آلودگی می‌تواند موازنه و

^۱ Kiss, A. & Shelton, D., "Systems Analysis of International law: A Methodological Inquiry", *NYIL*, 1986, p.60.

^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در بند ۲۹ رأی مشورتی خود که در سال ۱۹۹۶ در مورد مشروعیت تهدید یا کاربرد

تعدادل میان عناصر مزبور را بر هم زَند. از این رو به منظور حراست از طبیعت، به تدریج اندیشه‌ی وضع قواعد و مقررات جهانی شکل گرفت و از رهگذر کنفرانسها و سازمانهای بین‌المللی تکامل یافت. با وجود این، روند توسعه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست، به علت تقابل با حاکمیت دولتها همواره بطیء و آرام بوده است.

بر اساس حقوق بین‌الملل سنتی، دولتها بر قلمرو خویش و منابع طبیعی موجود در آن از حاکمیتی مطلق و صلاحیتی انحصاری برخوردار بودند؛ حال آنکه «حقوق بین‌الملل محیط زیست ماهیتاً این اصول سنتی را به چالش طلبید، زیرا بر مبنای یافته‌های جدید، محیط زیست مرز نمی‌پذیرد و حیطة صلاحیت سرزمینی دولتها را درمی‌نوردد: توده‌های هوا، جریانهای اقیانوسی، رودخانه‌ها و گونه‌های جانداران مهاجر همگی بدون ملاحظه‌ی مرزهای تصنعی انسانی در حال حرکت و جایجایی هستند».^۳ گرچه در ظاهر دولتها در قلمرو خویش دارای حق حاکمیت مطلق هستند، ولی نظام بین‌المللی متشکل از کشورهای برابر، ترسیم‌کننده‌ی چهره‌ای نسبی از حاکمیت کشورهاست و آزادی و استقلال هر دولت را منوط به عدم تحدید آزادی دول دیگر می‌سازد. چنانچه از رهگذر آزادی نامحدود در بهره‌برداری انحصاری از منابع طبیعی توسط کشور ذی‌ربط، منافع سایر کشورها تحت تأثیر قرار گیرد، به کشور مزبور نمی‌توان در زمینه‌ی بهره‌گیری از منابع خود، آزادی انحصاری یا نامحدود اعطا کرد.^۴ بر این اساس در حقوق بین‌الملل محیط زیست جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته،^۵ و معیارهای جهانی مشترکی جهت به نظم درآوردن اعمالی خاص و یا ممنوع ساختن برخی فعالیتها اتخاذ گردیده

د سلاحهای اتمی اعلام گردید، این امر (یکپارچگی عناصر زیست محیطی) را مورد شناسایی قرار داد و یادآور شد که محیط زیست، عنصری مجزّد نیست، بلکه مبین قلمرو حیات، کیفیت زیست، سلامت افراد فعلی بشر و نسلهای آینده است. *ICJ Reports*, 1996, Para. 29.

^۳ Kiss & Shelton, *Loc.cit*.

^۴ Smith, B.D., *State responsibility and the marine environment*, Oxford, 1988, pp.71-72.

^۵ به واقع بهترین راه حمایت از محیط زیست جلوگیری از ورود خسارت است و تلاش برای جبران خسارت در اولویت بعدی قرار دارد.

Kiss, A., Present Limits to the Enforcement of State Responsibility for Environmental Harm, In Francioni, F. & Scovazzi, T. (eds.), *International Responsibility for Environmental Harm*, Graham and Trotman, 1991, p.12.

است.^۶ اما این به تنهایی کافی نیست، بلکه مهم ضمانت اجرا و مکانیسم جبرانی نقض قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست، یا به عبارت دیگر مسؤولیت بین‌المللی ناشی از نقض آن قواعد است.

سانحه‌ی نفتکش لیبریایی «توری کانیون» در ۱۸ مارس ۱۹۶۷، و نیز آلودگی نفتی ناشی از خراب شدن سیستم هدایت نفتکش «آموکو کدیز» در ۱۹۷۸ در شمال اقیانوس اطلس و مجاور سواحل انگلستان و فرانسه، لزوم بسط اصول مسؤولیت بین‌المللی در حفاظت از محیط زیست و جبران خسارات واردشده را به تصویر کشید. همچنین حادثه‌ی نیروگاه اتمی «چرنوبیل» در ۱۹۸۶ نشان داد که تکنولوژی اتمی مدرن قادر است محیط زیست را در معرض آلودگی گسترده و شدید ناشی از تشعشعات رادیواکتیویته قرار دهد. تخریب گسترده و شدید محیط زیست در جنگ نیز بر عواملی که بی‌محابا محیط زیست انسانی را مورد تهاجم قرار داده‌اند افزوده است. عراق نیز طی سالهای اخیر در تجاوز خود به ایران و کویت از تخریب محیط زیست به عنوان شیوه‌ای جنگی سود جست. از این رو پرداختن به موضوع مسؤولیت بین‌المللی در نتیجه‌ی خسارات واردشده بر محیط زیست، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌نماید.

مسؤولیت بین‌المللی دولتها از جمله عرصه‌های حقوق بین‌الملل است که به قول آقای «گارسیا آمادور» (مخبر اسبق کمیسیون حقوق بین‌الملل)، از پیچیدگی و ابهام زیادی برخوردار است؛^۷ با وجود این از تأسیساتی به شمار می‌رود که ارکان نظام بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و عدم احترام به قواعد آن، موجب تضعیف حقوق بین‌الملل و عدم ثبات و امنیت در زیست بین‌المللی می‌گردد.^۸

مسؤولیت بین‌المللی را می‌توان تکلیفی دانست که بر اساس حقوق بین‌الملل به یکی از تابعان آن نظام تحمیل می‌شود تا خسارات ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل را

^۶ Kiss, A. & Shelton, D., *International Environmental Law*, Transnational Publishers Inc., 1991, p.162.

^۷ Garcia, Amador, F.R., "State responsibility, some new problems", *RCADI*, 1958, Vol.94, p.21.

^۸ فیوضی، رضا: حقوق بین‌الملل، مسؤولیت بین‌المللی و نظریه‌ی حمایت سیاسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صص ۳۹-۲۵.

جبران کند.^۹ در این مورد می‌توان به رأی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در ماجرای کارخانه‌ی «کورزو» میان آلمان و لهستان اشاره کرد. بر اساس این رأی تابعان حقوق بین‌الملل مسئول نقض حقوق بین‌المللی‌ای هستند که به آنها منتسب می‌گردد. به علاوه هرگونه نقض حقوق بین‌الملل مستلزم تکلیف به پرداخت غرامت خواهد بود.^{۱۰}

در نظام بین‌المللی، رویه‌های داوری و قضائی نقشی بسزا در پیشرفت و توسعه‌ی حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند؛ با این وصف حقوق بین‌الملل محیط زیست در بُعد مسؤلیت بین‌المللی به قدر کافی از چشمه‌ی رویه‌های قضائی و داوری بین‌المللی سیراب نگشته است. در داوری «تریل اسملتر» میان کانادا و آمریکا مسؤلیت بین‌المللی دولتها در آلودگی فرامرزی مورد شناسایی و توجه قرار گرفت، اما پس از آن (۱۹۴۱) تنها مواردی معدود از سوانح زیست - محیطی برای رسیدگی به مراجع بین‌المللی ارجاع و منتهی به صدور رأی گردیده است. البته نقش زمان به عنوان عاملی بازدارنده در این عرصه بسیار مهم بوده است. به عنوان مثال، علی‌رغم مشخص بودن خسارات ناشی از دود کارخانه‌های صنعتی کانادا در آمریکا، این دعوا از سال ۱۹۳۰ آغاز و حکم نهایی داوری در مورد آن در سال ۱۹۴۱ صادر شد. مشکل دیگر در این زمینه تعیین دقیق خسارات و مشخص ساختن عوامل آن است. تشخیص این امر به ویژه در مواردی مانند ریزش بارانهای اسیدی، یا آلودگی واحدی که از منابع متعدد ناشی می‌شود بسیار پیچیده‌تر و مشکلتر است. و سرانجام علاوه بر عنصر زمان و هزینه‌ی متقبله در هر دعوی - که میزان آن در دعاوی بین‌المللی بسیار بیشتر است - عمده‌ترین نقص در خود سیستم نهفته است و آن اینکه محیط زیست فقط قربانی است و نه یک طرف دعوی.^{۱۱}

گرچه با توجه به اهمیت حیاتی محیط زیست برای جامعه‌ی جهانی، وجود این نقایص و نارساییها جای شگفتی و تأسف بسیار دارد، لیکن مانع از بررسی پیشرفتهای موجود در این عرصه نخواهد شد. در این تحقیق سعی خواهیم کرد با توجه به فعالیتهای کمیسیون حقوق بین‌الملل، معاهدات و رویه‌ی بین‌المللی، تصویری روشن از مسؤلیت

^۹ همان طور که در صفحات بعد ملاحظه خواهیم کرد در پی بروز برخی تحولات، اینک مسؤلیت بین‌المللی صرفاً مبتنی بر نقض قاعده‌ی حقوق بین‌الملل و یا منوط به وارد آمدن خسارت در معنای محدود آن نیست و به جبران خسارت نیز محدود نمی‌شود.

^{۱۰} Chorzow Factory Case, 1928, *PCIJ*, Ser. A, No.17, p.29.

^{۱۱} Kiss & Shelton, "International ...", *op.cit.*, p.347.

بین‌المللی در مورد خسارات واردشده بر محیط زیست، و روند تحول و گسترش آن به دست دهیم.^{۱۲}

فصل اول: گسترش و تنوع مبانی مسؤولیت بین‌المللی

اینکه تحت چه شرایطی فاعل یک عمل زیان‌آور باید خسارات ناشی از فعل یا ترک فعل خود را جبران کند، مسأله‌ای است که به مبانی مسؤولیت در نظام حقوقی ذی‌ربط بازمی‌گردد. گسترش مبانی مسؤولیت بین‌المللی، نتیجه توسعه نظام بین‌المللی، و منبعث از پیشرفتهای علمی و فنی است. در این عرصه، حقوق بین‌الملل محیط زیست به حق، تأثیری شگرف در پیشرفتهای و تحولات مزبور داشته است.

مبحث اول: از مسؤولیت مبتنی بر تقصیر تا مسؤولیت عینی

گفتار اول: مسؤولیت بین‌المللی ناشی از تقصیر

در سیستم مسؤولیت شخصی یا ناشی از تقصیر، فاعل وقتی مسؤول شناخته می‌شود که تقصیر وی در ورود خسارت احراز شود. ضابطه برای تشخیص این مسؤولیت رفتار ایرادکننده‌ی زیان است بدین معنی که اگر رفتارش خطاکارانه باشد به جبران زیان واردشده محکوم می‌شود.^{۱۳}

در حقوق بین‌الملل سنتی مسؤولیت بین‌المللی بر خطای قابل انتساب به یک دولت بنا نهاده شده بود.^{۱۴} بر این اساس برای آنکه مسؤولیت دولت مزبور در روابط بین‌المللی

^{۱۲} البته در پرداختن به مسؤولیت بین‌المللی ناشی از خسارات واردشده بر محیط زیست باید به این نکته نیز توجه داشت که حقوق بین‌الملل محیط زیست اصولاً باید بیشتر بر استانداردهای اجرایی مربوط به جلوگیری از آلودگی و کاهش مخاطرات زیست محیطی تأکید کند. ر.ک.

Weiss, B., "New Directions in International Environmental Law," In Proceedings of the United Nations Congress on Public International Law, New York, 13-17 Mar. 1995, *International Law as a Language for International Relations*, United Nations, 1996, p.278.

به عبارتی دیگر بهترین راه حمایت از محیط زیست، جلوگیری از ورود خسارت است. ر.ک.

Kiss, A., "Present Limits to the Enforcement of State Responsibility for Environmental Harm", In Francioni, F. and Scovazzi, T. (eds.), *International Responsibility For Environmental Harm*, Graham & Trotman, 1991, p.12.

^{۱۳} میشل لوراسا، مسؤولیت مدنی، ترجمه‌ی دکتر محمد اشتری، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵، ص ۴۰.

^{۱۴} Smith, *op.cit.*, p.13.

تحقق یابد عمل ارتكابی مستسب به آن دولت، ضمن اینکه باید مخالف قاعده‌ی موضوعه‌ی بین‌المللی به شمار آید، در عین حال باید متضمن عنصر خطا و سهل‌انگاری نیز باشد. «در واقع هر چند برای انتساب مسؤلیت، اثبات نقض عامدانه و با سوء نیت تعهد توسط دولت خاطی ضرورتی نداشت، اما لازم بود مورد خاص نقض تعهد و خسارات ناشی از آن معین شود. چنانچه دولتی از ادای وظیفه‌ی قانونی یا رعایت هر یک از معیارهای حقوقی امتناع می‌ورزید، تقصیر وی احراز می‌شد.»^{۱۵}

شایان ذکر است که واژه‌ی تقصیر (در انگلیسی (Fault) و در فرانسه (Faute)) دارای معنای دوگانه‌ای است. یک مفهوم که بر نقض عهد دلالت دارد، عبارت از تقابل صرف میان رفتار مورد نظر تعهد ذی‌ربط، با عملی است که خاطی مرتکب آن گردیده است. معنای دیگر تقصیر، مفهوم موسع آن است که به جنبه‌ی روانی عمل مادی می‌پردازد، خواه عمل مذکور با قصد اضرار صورت گرفته و یا ناشی از بی‌احتیاطی صرف بوده باشد.^{۱۶}

نظریه‌ی خطا و نتایج حاصل از آن، مورد انتقاد طرفداران مکتب تحقیقی حقوق بین‌الملل قرار گرفته و طرح آن در حقوق بین‌الملل بی‌ارزش دانسته شد. به ویژه «آنزیلوتی» نظریه‌ی فوق را به عنوان اساس مسؤلیت بین‌المللی به شدت مورد انتقاد قرار داد و پس از تجزیه و تحلیل مواردی که ممکن است منجر به مسؤلیت بین‌المللی دولت در اثر عملکرد دستگاهها و یا مأمورین و اشخاص خصوصی گردد، نتیجه‌گیری کرد که نظریه‌ی خطا از تأسیسات حقوق مدنی بوده و جایی در حقوق بین‌الملل ندارد.^{۱۷} به واقع تقصیر متضمن عنصری روانی است که اثبات یا اندازه‌گیری آن دشوار می‌نماید و انتقال آن به حقوق بین‌الملل، روابط حقوقی دولتها را با مشکل مواجه می‌سازد. به زعم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی تنگه‌ی «کورفو»، از آنجا که هر دولت بر سرزمین خود کنترل انحصاری دارد، قربانی نقض حقوق بین‌الملل اغلب از

¹⁵ Kiss & Shelton, "International...", *op.cit.*, p.350.

¹⁶ Barboza, J., "International Liability for Injurious Consequences of Acts Non Prohibited by International Law and Protection of the Environment", *RCADI*, 1994, Vol.247, p.307.

¹⁷ به نقل از فیوضی، همان، صص. ۴۹-۵۱.

ارائه‌ی دلیل اثبات واقعیت‌هایی که ایجاد مسؤولیت می‌کند ناتوان است.^{۱۸} بی‌تردید گسترش روابط بین‌المللی و پیشرفت تکنولوژی، در بسیاری از موارد اثبات خطای دولت را غیرممکن ساخته، و بنا نهادن مسؤولیت بین‌المللی بر عامل تقصیر باعث می‌شود تا اغلب خسارات وارد شده بر محیط زیست، جبران نشده باقی بماند. این امر به خصوص در مورد آلودگی مشترکات جهانی (مثل دریای آزاد و یا فضای ماوراء جو) از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا در شرایطی که هنوز جامعه‌ی جهانی فاقد ارگانی واحد و کارآمد در زمینه‌ی مدیریت و حفاظت زیست - محیطی چنین مناطقی است، عاقلانه‌تر آن است که حداقل میزان حمایت از این مناطق با توجیهاتی از قبیل دخالت دادن عنصر تقصیر برای اثبات مسؤولیت، لوث نگردد.

گفتار دوم: مسؤولیت عینی

انتقادات وارد شده بر نظریه‌ی تقصیر صرفاً متوجه خطا در معنای ذهنی (Subjective) آن است. در مفهوم عینی (Objective) خطا تنها به نقض تعهدی بین‌المللی دلالت دارد. مفهوم ذهنی تقصیر تقریباً هیچ‌گاه مبنای مسؤولیت در اختلافات زیست - محیطی نبوده است.^{۱۹} در واقع در پرتو پیشرفت علم و تکنولوژی، نظریه‌ی خطا به عنوان اساس مسؤولیت، در مواردی متعدد تعدیل یافت و یا کنار گذاشته شد. بر اساس نظریه‌ی جدید مسؤولیت عینی - که حقوق بین‌الملل محیط زیست جلوه‌گاه آن است - به مجرد اثبات رابطه‌ی سببیت میان اعمال زیانبار و خسارات وارد شده، مسؤولیت محرز می‌شود. حذف عنصر خطا در مفهوم ذهنی آن، اصولاً در قالب فعالیت‌های مخاطره‌انگیزی توجیه پیدا کرد که از لحاظ منافع اجتماعی، انجام آن فعالیتها ضروری به نظر می‌رسد. به بیان دیگر «اصل مسؤولیت مطلق و عینی، در عرصه‌ی فعالیت‌هایی به اجرا در می‌آید که میزان مخاطرات آنها بالا است.»^{۲۰} این‌گونه فعالیتها، صرف نظر از احتیاط‌هایی که در انجام آنها صورت می‌گیرد، خساراتی را متوجه اشخاص، اموال و یا محیط زیست می‌کنند. پیچیدگی بیش از حد این فعالیتها، طبعاً اشتباهات انسانی را نیز به دنبال دارد؛ بنابراین حقوق نمی‌تواند از شخص عادی انتظار دقیقی در حد یک موجود خارق‌العاده

¹⁸ ICJ Reports, 1949, p.18.

¹⁹ Birnie & Boyle, *International Law and the Environment*, Oxford, 1993, pp.141-142.

²⁰ Brownlie, I., *System of the Law of Nations: State Responsibility*, Part I, Oxford, 1983, p.282.

داشته باشد.^{۲۱} از این رو بر اساس این دیدگاه جدید، صرف اثبات رابطه‌ی سببیت میان نقض تعهد و ایجاد خسارت، مسؤولیت فاعل را محرز می‌سازد. اصل مسؤولیت عینی به تدریج در معاهدات بین‌المللی رسوخ کرد، چنانکه کنوانسیون بروکسل مربوط به مسؤولیت متصدیان کشتیهای اتمی (مصوب ۲۵ می ۱۹۶۲)، و نیز کنوانسیون وین درباره‌ی مسؤولیت مدنی و خسارات اتمی (مصوب ۲۱ می ۱۹۶۳)، نوعی مسؤولیت محض بر اشخاص مسؤول تأسیسات و متصدیان کشتیهای اتمی تحمیل می‌کنند. اصل مزبور همچنین در معاهدات مربوط به آلودگیهای نفتی در دریا و نیز در کنوانسیون مربوط به خسارات ناشی از اجسام فضایی (مصوب ۱۹۷۲) وارد شده است.

چنین به نظر می‌رسد که استاندارد بین‌المللی مسؤولیت مطلق برای فعالیتهای فضایی و نیز فعالیتهای متضمن استفاده از انرژی اتمی، اصل عمومی حقوق بین‌الملل قلمداد گردد.^{۲۲} هدف معاهدات فوق، تضمین پرداخت غرامت به قربانیان آلودگی محیط زیست و تغییر بار اثبات مسؤولیت است. در بررسی محتوای معاهدات مذکور، چهار اصل مشترک ملاحظه می‌شود:

۱. مسؤولیت مطلق است و نیاز به اثبات تقصیر یا بی‌احتیاطی (البته در معنای ذهنی و شخصی آن) به عنوان شرط تحقق مسؤولیت نیست. البته استثنائاتی چون جنگ، بلایای طبیعی و یا تقصیر خود قربانی، مسؤولیت فاعل را زائل می‌سازد (ماده ۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۳؛ مواد ۲ و ۸ کنوانسیون بروکسل).^{۲۳}
۲. مسؤولیت منحصراً متوجه متصدی تأسیسات یا کشتیهای اتمی است، اما در برخی موارد حامل یا نگهدارنده‌ی مواد اتمی را نیز می‌توان به عنوان مباشر تلقی کرد.
۳. برای تعیین سقف جبران خسارت می‌توان قائل به محدودیت شد.
۴. به منظور رفع مانع در زمینه‌ی جبران خسارت (مانند عدم تمکن مالی متصدی) پرداخت غرامت از طریق بیمه یا ضمانت‌نامه‌ی اجباری متصدی پیش‌بینی شده است.

علاوه بر این، وجود اصل مسؤولیت مطلق، دادگاهها را از مشکل تعیین ملاکهای ناظر

^{۲۱} Barboza, *op.cit.*, p.302.

^{۲۲} Brownlie, *Loc.cit.*

^{۲۳} در نظر گرفتن عوامل معاف‌کننده‌ای چون فورس ماژور و جنگ، که انصافاً گریزی از استثنای آنها نبوده است، مسؤولیت عینی را تا حدی به چارچوب محدود آن یعنی عدم لزوم اثبات تقصیر تنزل می‌دهد.

بر دقت معقول و مقتضی رها ساخته، و به تبع زیان‌دیدگان را نیز از صعوبت اثبات نقض این استانداردها در روند صنعتی پیچیده و بی‌نهایت فنی، معاف می‌کند. در حقیقت این نوع مسؤلیت، جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های پیچیده‌ی صنعتی - که در آن اثبات بی‌احتیاطی عامل خسارت توسط قربانی بسیار دشوار است - را تسهیل می‌کند.^{۲۴} نیک پیداست که از لحاظ ماهوی تعهداتی که نقض آنها موجب مسؤلیت عینی و مطلق قلمداد می‌شود در زمره‌ی تعهدات به نتیجه بوده، که به صرف عدم تحقق نتیجه‌ی مقرر یا جلوگیری از بروز آن، مسؤلیت اثبات می‌شود.^{۲۵} پرواضح است که تمایز میان تعهدات به فعل (وسیله) و تعهدات به نتیجه، می‌تواند نقشی مفید در احراز و تعیین قالب حقوقی مسؤلیت دولت ذی‌ربط ایفا کند.^{۲۶} بر این اساس با گسترش مسؤلیت عینی (از جمله بر مبنای انصاف^{۲۷})، جبران خسارات ناشی از آلودگی محیط زیست تضمین ماهوی نسبتاً مؤثری می‌یابند.

مبحث دوم: مسؤلیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل

بر اساس ماده یک طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل مربوط به مسؤلیت دولتها (۱۹۷۶)، هر عمل خلاف بین‌المللی دولت، مستلزم مسؤلیت بین‌المللی آن دولت است. همچنین ماده ۳ طرح مزبور رفتار ناقض تعهد بین‌المللی دولت را به عنوان عنصر ضروری عمل متخلفانه آن دولت قلمداد کرده است.

در عرصه‌ی خسارات مربوط به محیط زیست، ممکن است با نوعی آلودگی، که علی‌رغم اتخاذ تمام اقدامات احتیاطی ایجاد گردیده، مواجه شویم. در چنین مواردی ظاهراً هیچ‌گونه تعدی و تجاوزی به قواعد حقوقی صورت نگرفته است و از این لحاظ نمی‌توان دولت مزبور را به خاطر اعمالش که خلاف موازین بین‌المللی نیست، مسؤل دانست. در عین حال غیرمنصفانه است که وضعیت فعلی کشور زیان‌دیده - که بدون

²⁴ Flores, M.D.L., "The Scope of Customary International Law on the Question of Liability and Compensation for Environmental Damage", In Najeeb Al-Nauimi & Richard Meese, (eds.), *International Legal Issues Arising under the United Nations Decade of International Law*, Martinus Nijhoff, 1995, p.242. ²⁵ Smith, *op.cit.*, p.19.

²⁶ *Institute of International Law YearBook*, Vol.67, Part I, Session of Strasbourg, 1997, p.320.

²⁷ Jenks, C.W., "Liability for "Ultra-Hazardous" Activities in International Law", *RCADI*, 1966, Vol.117, p.99.

خطای خود متحمل خسارت شده - نادیده گرفته شود.^{۲۸}

به منظور رفع این نارسایی و نیاز مبرم حقوقی، کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۸۰ تلاش خود را برای تهیه‌ی پیش‌نویس کنوانسیون جامع در مورد مسئولیت ناشی از اعمال منع‌نشده به وسیله‌ی حقوق بین‌الملل، آغاز نمود. سؤالی که در ابتدای امر به ذهن خطور می‌کند این است که چرا کمیسیون حقوق بین‌الملل به جای استفاده از واژگان «اعمال مُجاز» عبارت «اعمال منع‌نشده به وسیله‌ی حقوق بین‌الملل» را به کار برده است. تردیدی نیست که به لحاظ نظری هر آنچه که منع نشده باشد، مجاز بوده و هر چه که مجاز شمرده نشود ممنوع خواهد بود؛ اما ممکن است در عمل دچار این تردید شویم که آیا امری خاص ممنوع است یا مجاز. لذا عبارت «منع‌نشده» (Non Prohibited) دقیقاً به منظور رفع ابهام در موارد مذکور به کار برده شده است.^{۲۹}

در ابتدا قرار بود این نوع مسئولیت به حوزه‌ای خاص از حقوق بین‌الملل محدود نشود؛ اما پروفیسور «باکستر» (مخبر ویژه‌ی کمیسیون) در گزارش مقدماتی خود خاطرنشان کرد جلوه‌گاه اصلی مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده همواره مخاطرات زیست - محیطی است.^{۳۰} بر همین اساس وی با موافقت کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته‌ی ششم مجمع عمومی تصمیم گرفت کار خود در این عرصه را به مسائل زیست - محیطی محدود کند.

با وجود این با قدری دقت در قواعد حقوق بین‌الملل درمی‌یابیم که عمده‌ی این قواعد در قالب عبارت «وظیفه و تکلیف» خسارت نزدن به محیط زیست، متبلور شده است. برای مثال در دعوای «تریل اسملتر»، محکمه‌ی داوری اظهار داشت که هیچ کشوری حق ندارد از سرزمین خود به نحوی بهره‌برداری کند و یا اجازه‌ی استفاده از آن را بدهد که سبب خسارت به سرزمین، اموال یا اتباع کشور دیگر شود.^{۳۱} در قضیه‌ی تنگه‌ی «کورفو» (میان انگلستان و آلبانی) نیز دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام داشت

²⁸ Scovazzi, T., "Recent Trends in International Environmental Law", In Scovazzi and Treves, *World Treaties for the Protection of the Environment*, Istituto per l'ambiente, 1992, p.25.

²⁹ Akehurst, M.B., "International Liability for Injurious Consequences Arising out of Acts Not Prohibited by International Law", *NYIL*, 1985, p.3.

³⁰ *ILCY*, 1980, Vol. II, p.24.

³¹ III RIAA 1905 at 1965.

هر کشور متعهد است که عالمانه اجازه ندهد سرزمینش برای ارتکاب اعمال مغایر حقوق کشور دیگر به کار گرفته شود.^{۳۲} همچنین در اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم (۱۹۷۲) و اصل دوم اعلامیه‌ی ریو (۱۹۹۲) از مسؤلیت و تکلیف کشورها در محافظت از محیط زیست سخن رفته است. به این ترتیب به نظر می‌رسد اصولاً مسؤلیت خسارات واردشده بر محیط زیست، مسؤلیتی ناشی از تخلف (Ex delicto) است نه مسؤلیت بدون تخلف (Sine delicto).^{۳۳}

با توجه به این امر که حقوق بین‌الملل محیط زیست مشتمل بر وظایف و تکالیفی مبنی بر نرساندن زیان و یا تعهد جلوگیری از ورود خسارت به محیط زیست بوده، جای شگفتی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل، خسارات زیست - محیطی را به عنوان نمونه بارز مسؤلیت بدون تخلف قلمداد کرده است.

به عقیده‌ی برخی^{۳۴} تلقی کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این فرض استوار است که هرگاه فعالیتی معین توسط حقوق بین‌الملل ممنوع نشده باشد، هرگونه مسؤلیت ایجادشده در جریان فعالیت مذکور باید مسؤلیت بدون تخلف قلمداد شود؛ حال آنکه مجاز بودن فعالیتی خاص در حقوق بین‌الملل، ضرورتاً به معنای تجویز تمام اعمال ارتكابی در جریان آن فعالیت نیست.

به نظر می‌رسد که کمیسیون از کاربرد این عبارت منظور دیگری داشته است. واضح است که در رویه‌ی بین‌المللی «تکلیف» عدم ایراد خسارت به محیط زیست اثبات می‌شود. کمیسیون با وقوف بر این امر در صدد تفکیک اعمالی برآمده که برخی از آنها در روند معمول تحقق باعث بروز خسارت می‌شوند (مثل تخلیه‌ی فضولات سمی در محیط زیست) و شماری از دیگر اعمالی که انجام آنها مجاز است، ولی تصادفاً به بروز خسارت منجر می‌شوند. بدیهی است که در مورد اول، این تکلیف بر عهده‌ی دولت خاطی است که علاوه بر جبران خسارت، از ادامه‌ی عمل زیانبار نیز جلوگیری کند (ماده ۴۱ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل)،^{۳۵} در مورد دوم (اعمال مجاز منجر به بروز خسارت) تنها غرامت پرداخت می‌شود بدون اینکه توقف عمل زیانبار ضروری

³² *ICJ Reports*, 1949, p.22.

³³ Akehurst, *op.cit.*, p.4.

³⁴ *Ibid.*, p.8.

³⁵ For the commentary to the article, See *ILCY.*, 1993, Vol. II, Part tow, pp.55-58.

باشد.^{۳۶} خلاصه‌ی کلام آنکه «هدف کمیسیون حقوق بین‌الملل از ایده مسؤولیت بین‌المللی برای اعمال منع‌نشده، فراهم آوردن مبنایی جبرانی برای فعالیت‌هایی است که در عین داشتن عوارض زیانبار، از نظر اجتماعی کاملاً سودمند و ضروری هستند.»^{۳۷}

علاوه بر این باید توجه داشت که در برخی موارد حتی هیچ تکلیفی نسبت به جبران خسارت وجود ندارد. بر اساس ماده ۳۵ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسؤولیت دولتها، خلاف تلقی نشدن عمل دولت به واسطه‌ی عواملی مانند رضایت (ماده ۲۹)، فورس مازور و حوادث غیرمترقبه (ماده ۳۱)، اضطرار (ماده ۳۲) و ضرورت (ماده ۳۳) خدشه‌ای به مسأله‌ی پرداخت غرامت برای خسارت ناشی از آن عمل وارد نمی‌کند. به این ترتیب ماده ۳۵ به وضوح ذکری از پرداخت غرامت در مورد اقدامات متقابل (ماده ۳۰) و دفاع مشروع (ماده ۳۴) نمی‌کند؛ زیرا این امر به عنوان قاعده‌ی حقوق بین‌الملل کاملاً تثبیت شده که تکلیفی برای پرداخت غرامت در مورد اعمالی مشروع چون اقدامات متقابل و دفاع مشروع وجود ندارد. بنابراین کمیسیون با استفاده از عبارت «مسؤولیت بین‌المللی برای اعمال منع‌نشده»، در واقع در صدد خارج ساختن مواردی چون دفاع مشروع و اعمال متقابل از حیطه طرح اخیر خود بوده است. حال اگر در مورد مسؤولیت ناشی از نقض تعهد و نیز مسؤولیت ناشی از اعمال منع‌نشده، غرامت پرداخت شود آیا اثری بر متمایز ساختن آنها از یکدیگر مترتب است؟ این تمایز از چند حیث قابل توجه است:

اولاً: میزان غرامت قابل پرداخت برای ارتکاب عمل مجاز زیانبار، کمتر از جبران خسارتی است که در مورد ارتکاب عمل خلاف و غیرقانونی به عمل می‌آید. به عبارت دیگر مسؤولیت ناشی از اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی، متضمن جبران خسارت کامل است؛ یعنی اعاده‌ی وضع به حالت سابق (Restitution in Kind) نحوی که کلیه‌ی آثار عمل غیرقانونی ذی‌ربط برطرف شود (ماده ۴۳ طرح پیش‌نویس)؛^{۳۸} در صورتی که در

^{۳۶} برای مثال طبق ماده ۷ معاهده‌ی مربوط به فضای ماوراء جو، (۱۹۶۷) هر یک از دول عضو معاهده که شیء‌ای را به فضا پرتاب، و یا با پرتاب آن موافقت کند، به لحاظ بین‌المللی عهده‌دار مسؤولیت خسارات ایجادشده به وسیله‌ی شیء مزبور است. چنانچه ملاحظه می‌شود در این مورد ممانعت از پرتابهای فضایی دولت خاطی به عنوان نوعی جبران خسارت مورد توجه قرار نگرفته است.

^{۳۷} Birnie & Boyle, *op.cit.*, p.140.

^{۳۸} For the commentary to The article, See *ILCY*, 1993, Vol. II, Part two, pp.61-67.

چارچوب اعمال منع‌نشده، ضرورتی ندارد که جبران خسارت، کلیه‌ی آثار عمل زیانبار را از بین ببرد.^{۳۹} در مورد این تمایز می‌توان به رأی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در ماجرای کارخانه‌ی «کوززو» (میان آلمان و لهستان) استناد کرد. در ماجرای مذکور، دیوان خاطرنشان کرد که عمل دولت لهستان خلع ید است که با مصادره یکسان نیست، و به همین خاطر غرامت عادلانه در خواست شده است. نتیجه‌ی این امر آن است که غرامت پرداختی به دولت آلمان ضرورتاً به ارزش آن مال در زمان سلب مالکیت محدود نمی‌شود، بلکه منافع احتسابی تا روز پرداخت نیز به آن اضافه می‌گردد (عدم‌النفع). عدم احتساب عدم‌النفع فقط هنگامی ممکن می‌نمود که دولت لهستان از «حق» سلب مالکیت برخوردار می‌بود و عمل خلاف آن دولت فقط عدم پرداخت قیمت عادلانه‌ی مال مورد مصادره بود. اصل اساسی مندرج در ماهیت و سرشت عمل خلاف آن است که جبران خسارت باید تا حد ممکن کلیه‌ی آثار و نتایج عمل غیرقانونی را رفع کند و وضعیتی را مستقر سازد که با تمام ملاحظات، در صورت عدم تحقق آن عمل خلاف وجود می‌داشت.^{۴۰}

ثانیاً: هنگامی که خسارت وارد شده، ناشی از حادثه‌ای باشد که کشور ذی‌ربط متعهد به جلوگیری از تحقق آن بوده است، آن کشور در صورت اثبات غیرقابل احتراز بودن واقعه‌ی مذکور، از مسؤولیت ناشی از عمل خلاف خود معاف می‌گردد، حال آنکه مسؤولیت ناشی از اعمال منع‌نشده، چنین معافیتی را روا نمی‌دارد.

ثالثاً: اگر تعهدی به واسطه‌ی یک عمل مستمر نقض شود، قواعد مسؤولیت ناشی از اعمال خلاف، بر دولت ذی‌ربط این تعهد را تحمیل می‌کنند که عمل مذکور را متوقف سازد؛ در صورتی که در عرصه‌ی مسؤولیت ناشی از اعمال منع‌نشده، تداوم فعالیت اشکالی ندارد و فقط غرامت پرداخت می‌شود.

رابعاً: نقش خسارت در هر مورد متفاوت است. بر اساس قسمت اول طرح کمپسیون، در عرصه‌ی اعمال خلاف به محض نقض تعهد و انتساب آن، مسؤولیت ایجاد می‌گردد، اعم از آنکه خسارت وارد شده یا نشده باشد (ماده یک)؛ ولی احراز مسؤولیت در مورد اعمال منع‌نشده، ماهیتاً متضمن ایراد خسارت است.^{۴۱}

³⁹ Barboza, *op.cit.*, pp.313-314.

⁴⁰ *PCIJ*, 1928, Ser. A, No.17, pp.46-48.

⁴¹ Barboza, *op.cit.*, pp.312-313.

مسأله‌ی آخر الصاق عناوین ناخوشایند بر ارتکاب اعمال خلاف و غیرقانونی است. در حقیقت کشورها اکراه دارند که برای اعمال خلاف، غرامت بپردازند؛ زیرا رغبتی در اذعان به ارتکاب عمل خلاف ندارند؛ اما در مقابل اعمال منع نشده تمایل بیشتری به گردن نهادن بر پرداخت غرامت دارند زیرا چنین پرداختهایی متضمن اقرار به خلافکار بودن نیست.^{۴۲}

با توجه به ملاحظات فوق واضح است که «نوآوری کمیسیون حقوق بین‌الملل در اندراج خسارات زیست - محیطی در عرصه‌ی مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده، تأثیر قابل توجهی بر روند توسعه‌ی آینده‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست خواهد داشت.^{۴۳}

مبحث سوم: آلودگی محیط زیست و مسئولیت بین‌المللی کیفری

آنچه مسئولیت بین‌المللی کیفری را از سایر شقوق مسئولیت متمایز می‌سازد تعهداتی است که نه در مقابل کشورها به صورت انفرادی، بلکه در برابر کل جامعه‌ی بین‌المللی وجود دارد.^{۴۴} وصف کیفری گرفتن نقض تعهدات ناظر بر حفاظت از محیط زیست در بستر دو استدلال قابل توجه می‌نماید، که یکی به ماهیت مناطها و ضوابط زیست - محیطی باز می‌گردد و دیگری از ناکارآمدی نظام مسئولیت دولتها در اجرای استانداردهای بین‌المللی زیست - محیطی نشأت می‌گیرد.^{۴۵}

در سال ۱۹۷۶ طرحی به تصویب اکثریت اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل رسید که

^{۴۲} Akehurst, *op.cit.*, p.15.

برای مثال در اول مارس ۱۹۵۴ آزمایشات اتمی آمریکا در سواحل جزایر مارشال باعث شد که سرنشینان یک کشتی ژاپنی به نام «فوکوریومارو» تحت تأثیر مواد رادیواکتیویته قرار گیرند و صدمات جدی به آنان وارد آید. به دنبال آن، دولت ژاپن اقدام به اقامه‌ی دعوا و تقاضای غرامتی در حدود شش میلیون دلار از آمریکا کرد که نهایتاً دو میلیون دلار آن پرداخت گردید. آمریکا اعلام داشت که این پرداخت از سر لطف (Ex Gratia) و بدون پذیرش مسئولیت است. ر.ک.

Boyle, A.E., "Nuclear Energy and International Law: An Environmental Perspective", *BYLL.*, 1989, p.295.

^{۴۳} Thomas Gehring and Markus Jachtenfuchs, "Liability for Trans-Boundary Environmental Damage: Towards a General Liability Regime?", *EJIL.*, 1993, Vol.4, p.92.

^{۴۴} *ILCY.*, 1971, Vol. II, p.210.

^{۴۵} Provost, R., "International Criminal Environmental Law", in Guy S. Goodwin-Gill & Stefan Talmon (eds.), *The Reality of International Law*, Oxford, 1999, p.442.

به موجب ماده ۱۹ آن چنانچه هر دولت تعهدی را که کل جامعه‌ی بین‌المللی برای حفظ منافع اساسی خود، حیاتی تلقی می‌کند نقض نماید، مرتکب جنایت بین‌المللی شده است. بدیهی است که «جنایت بین‌المللی بدین لحاظ که ناشی از نقض یک تعهد عینی در مقابل کلیه‌ی کشورها است، به کل جامعه‌ی بین‌المللی مربوط می‌شود».^{۴۶} به همین خاطر در ماده ۵۳ طرح پیش‌نویس کمیسیون، تعهداتی برای تمام کشورها در مورد عدم شناسایی وضعیت ناشی از جنایت مزبور به عنوان وضعیتی قانونی، مساعدت نکردن به کشور مرتکب جنایت در حفظ وضعیت ایجادشده، و همکاری در انجام اقدامات ضروری برای رفع آثار آن جنایت پیش‌بینی شده است.^{۴۷}

بر اساس ماده ۱۹ طرح فوق‌الذکر؛

جنایت بین‌المللی از جمله از... نقض عمده‌ی تعهدات بین‌المللی که برای تضمین و حفظ محیط زیست انسانی (مانند تعهدات مربوط به منع آلودگی گسترده‌ی جو یا دریاها) واجد اهمیت اساسی است، ناشی می‌شود.

بر اساس این ماده، آلودگی محیط زیست در صورتی جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شود که دارای دو شرط زیر باشد:

۱. نقض شدید تعهد؛
 ۲. تعهد بین‌المللی نقض شده دارای اهمیت اساسی برای حفاظت از محیط زیست باشد.^{۴۸}
- هر چند ممنوعیت مندرج در این ماده از حیث نوع آلودگی بسیار کلی است و آلودگی جو یا دریاها نیز تنها به عنوان مثال ذکر گردیده است، لیکن «به لحاظ» منطقی ممنوعیت مذکور باید به انهدام گونه‌ها، اکوسیستم و یا تخریب جنگلهای مناطق حاره، که دارای

^{۴۶} پی‌یر ماری دوپویی، «ملاحظات پیرامون جرم بین‌المللی دولت»، ترجمه‌ی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره سیزدهم، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۷.

گو اینکه پیشنهاد «جیمز کرافورد» مخبر کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسؤولیت دولتها مبنی بر حذف ماده ۱۹، سرنوشت این ماده را مبهم ساخته است، لیکن نفس این ایده که در ماده ۱۹ تجلی یافت و توسط دیگر اسناد بین‌المللی تعقیب شد قابل تأمل می‌نماید.

^{۴۷} For the Commentary to the Article see the Report of the Commission on the work of its Forty-Seventh Session, (Official Records of the General Assembly, Fiftieth Session, Supplement No. 10 (A/50/IO), pp.149-173.

^{۴۸} امیر ارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳-۷۴، ص ۴۱۴.

آثار شدید اتمسفریک هستند توسعه یابد.^{۴۹}

طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل هنوز حالت پیش‌نویس دارد و لازم‌الاجرا نیست؛ با وجود این، تأثیری شگرف در روند توسعه‌ی حقوق بین‌الملل در این عرصه از خود به جای گذاشته است. سال بعد یعنی در ۱۹۷۷ پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ۱۹۴۹ زنو به امضا رسیدند. بر اساس بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول؛

استفاده از روشها یا وسایل جنگی که برای ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی ساخته شده‌اند یا احتمال دارد که چنین اثراتی داشته باشند ممنوع است.^{۵۰} در دهم دسامبر همان سال نیز کنوانسیون مربوط به منع استفاده‌ی نظامی یا هر استفاده‌ی خصمانه‌ی دیگر از تکنیکهای تعدیل محیط زیست، دول متخاصم را از انجام هر اقدامی که چنین عواقبی برای محیط زیست به دنبال داشته باشد منع کرد. همچنین در کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح جنایت علیه صلح و امنیت بشری در ماده ۲۲؛

استفاده از روشها و وسایل جنگی‌ای که برای ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی ساخته شده‌اند و یا احتمال دارد چنین خساراتی را ایراد کنند، به عنوان جرم جنگی فوق‌العاده خطرناک تلقی شده است.

ماده ۲۶ همین طرح اعلام می‌دارد:

هر فرد که عمداً باعث ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی گردد و یا دستور انجام آن را صادر کند، در صورت اثبات مجرمیت محکوم خواهد شد. این مواد عاری از ایراد و انتقاد نیستند. به عنوان مثال، کمیسیون در حالی که با متّصف کردن خسارات به صفات گسترده، پایدار و شدید سعی بر خارج کردن موارد آلودگیهای جزئی و نه چندان مهم از عرصه‌ی مسؤولیت بین‌المللی کیفری داشته است، با این حال معیاری برای احراز این شرایط به دست نداده است. بدیهی است حوزه‌ی مسؤولیت

^{۴۹} Birnie & Boyle, *op.cit.*, pp.155-156.

^{۵۰} گروهی تخصصی که در چارچوب کنفرانس ژنو به منظور تعریف دقیق شرط درازمدت بودن خسارت تشکیل شد به این نتیجه رسید که آلودگی در صورتی پایدار تلقی می‌شود که بعد از گذشت بیش از ۱۰ سال از وقوع آن، آثار آلودگی کماکان در منطقه مشهود باشد. ر.ک.

Sandoz, Swinarski, Zimmermann (eds.), *Commentary on the Additional Protocols*, Martinus Nijhoff, 1987, p.459.

بین‌المللی کیفری، خود از ابهام و سردرگمی بسیاری برخوردار است، با این حال کمیسیون نیز جانب احتیاط را رها کرده است. نکته‌ی دیگر آنکه «ماده ۲۲ به کارگیری «روشها و وسایل جنگی» را ممنوع می‌سازد در حالی که ماده ۲۶ ایراد خسارت عمدی را قابل مجازات می‌داند. قید «عمدی» دامنه‌ی شمول ماده مزبور را بسیار محدود می‌کند»^{۵۱} عبارت‌پردازی فوق این تردید را دامن می‌زند که در قالب ماده ۲۶ صرف انجام هر عمل مادی که باعث ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی گردد، برای محکومیت مرتکب کافی است؛ در حالی که بر اساس ماده ۲۲ استفاده‌ی عملی از روشها و وسایلی که برای ایجاد خسارات... در محیط زیست ساخته شده‌اند و یا احتمال ورود خسارت به واسطه‌ی استفاده از روشها و وسایل فوق برود به عنوان جرم تلقی شده است. با وجود این ماده ۲۶، صرف انجام عمل مادی را قابل مجازات می‌داند.^{۵۲}

امضای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ نیز گامی دیگر در جهت حمایت از محیط زیست از رهگذر حقوق کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود. بر اساس جزء ۴ پاراگراف ب بند ماده ۸ اساسنامه دیوان، حمله عمدی با علم به آنکه چنین حمله‌ای باعث خسارت گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به کل مزایا و منافع نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است در زمره جرایم جنگی محسوب می‌شود.

علی‌رغم اینکه اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل هنوز در قالب طرح باقی مانده و در نحوه‌ی نگارش مواد اسناد فوق‌الذکر نیز اشکالات و ابهامات بسیاری وجود دارد، ولی صرف این تفکر که آلودگی محیط زیست می‌تواند در سطح بین‌المللی جنبه‌ی کیفری داشته باشد نسبت به چند دهه‌ی قبل - که محیط زیست و به ویژه مشترکات عمومی، به عنوان مظلومترین قربانی پیشرفت علم و تکنولوژی یا جنگ‌افروزی دولتها به شمار می‌رفت - اقدامی مهم تلقی می‌شود؛ به ویژه آنکه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای اولین بار بود که در معاهده‌ای بین‌المللی تصریح شد که خسارت عمدی گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست به واقع جرمی بین‌المللی قلمداد می‌شود هر

^{۵۲} منبع پیشین، ص ۴۱۶.^{۵۱} امیرارجمند، همان، صص ۴۱۶-۴۱۵.

چند که چنین جرمی باید در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی ارتکاب یافته باشد.^{۵۳}

فصل دوم: «خسارت» در حقوق بین‌الملل محیط زیست

فلسفه‌ی وجودی مسئولیت بین‌المللی معمولاً در نقض حقوق کشوری دیگر نهفته است، و نقض هر حقی نوعی خسارت به شمار می‌رود. به تعبیر بهتر عامل خسارت در قالب عنصر عینی مسئولیت (نقض عهد) مستتر است.^{۵۴} با وجود این در حقوق بین‌الملل محیط زیست، که در آن مسئولیت صرفاً بر نظریه‌ی نقض تعهد بنا نشده و ایراد خسارت (محسوس) رکن ضروری ایجاد مسئولیت بین‌المللی به شمار می‌رود، بدیهی است که مفهوم و گستره‌ی خسارت و تحول آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

مبحث اول: مفهوم، ارزیابی و جبران خسارت

گفتار اول: مفهوم خسارت

خسارت عبارت از زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه‌ی فعل یا ترک فعل اشخاص (حقیقی یا حقوقی)، و یا در اثر بروز حوادث طبیعی به افراد، اموال و یا محیط زیست ایراد می‌گردد. این واژه به فراخور تحولات و پیشرفت‌ها در هر بُرهه‌ای از زمان، و در عرصه‌های مختلف، ابعادی گوناگون یافته است. از آن جمله است رأی داوری «تریل اسملتر»، ماده یک کنوانسیون پاریس مربوط به مسئولیت در قبال شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای (۱۹۶۰)، ماده یک بند ۷ کنوانسیون بروکسل در مورد مسئولیت متصدیان کشتیهای اتمی (۱۹۶۲) و کنوانسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اجسام فضایی (۱۹۷۲). در تمام موارد مذکور خسارت به معنای سلب حیات، صدمه‌ی شخصی، تلف مال و یا لطمه بدان تعریف شده است.

تعریف مذکور محدود بوده و آشکارا خسارات زیست - محیطی یا اکولوژیکی را از نظر دور داشته است. به عنوان مثال در این تعریف خسارات اکولوژیکی وارد شده بر وحوش در نتیجه‌ی سانحه‌ی «چرنوبیل» و یا صدمه به محیط زیست دریایی ناشی از یک سانحه‌ی اتمی در دریا، به سادگی نادیده گرفته شده‌اند.^{۵۵} از طرف دیگر این تعریف، شکلی خاص از تسلط و ملکیت را در خود نهفته دارد، و بدین خاطر به نظر می‌رسد در

⁵³ Provost, *op.cit.*, p.450.

⁵⁴ Smith, *op.cit.*, p.7.

⁵⁵ Boyle, *op.cit.*, pp.309,310.

شمول عنوان خسارت نسبت به تخریب و انهدام مشترکات عمومی تردید ایجاد کند. واژه‌ی خسارت در حقوق، همواره در حیطه‌ی روابط انسانی مفهوم داشته و تحدید معنای خسارت به حوزه‌ی صدمات به اموال شخصی تقریباً یک تفکر حقوقی است. این برداشت پذیرش خسارات وارد شده به محیط زیست (خساراتی که نتوان ثابت کرد در سلامت جسمی، حیات اشخاص یا مالکیت آنها تأثیر می‌گذارد) را با مشکل مواجه کرده است. در سطح حقوق داخلی اگر نتوان محیط زیست را متعلق به دولت دانست حداقل این امر بدیهی می‌نماید که دولت مکلف است محیط زیست کشور خود را تا حد ممکن برای رفاه و استفاده‌ی شهروندان خویش محافظت کند. به همین خاطر حق افراد بر محیط زیست سالم، در شمار یکی از مصادیق حقوق بشر قرار گرفته است.^{۵۶} این نکته در ماده یک اعلامیه‌ی استکهلم چنین بیان شده است:

انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه‌ی زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد برخوردار است. وی رسماً مسؤولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آینده را به عهده دارد.

بی‌تردید توسعه‌ی حقوق بشر در ارائه‌ی تعریفی گسترده از خسارات زیست - محیطی، تأثیری قابل ملاحظه داشته است. کنوانسیون ۱۹۶۹ بروکسل در مورد مسؤولیت مدنی نسبت به خسارت آلودگی نفتی، در ۱۹۸۴ اصلاح گردید و برای واژه‌ی خسارت معنای وسیعتری قائل شد. بدین صورت که بنا بر تعریف جدید، این واژه؛ هزینه‌ی اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده که جهت کاهش خسارات به کار می‌رود و اقدامات معقولی که به منظور بالا بردن توان مقاومت محیط زیست صورت می‌گیرد را پوشش می‌دهد (بند ۶ ماده یک).

همچنین رهنمودهای تهیه شده برای اروپا توسط کمیسیون اقتصادی ملل متحد در مورد مسؤولیت در قبال آلودگیهای آبی فرامرزی، خسارت را به عنوان مبنایی برای میزان غرامت یا جبران آن چنین تعریف می‌کند:

الف) از دست دادن حیات، صدمه به سلامتی یا هر نوع زیان شخصی.

^{۵۶} Barboza, *op.cit.*, pp.381-382.

- (ب) هر نوع آسیب دیدن یا تلف شدن مال یا عدم النفع.
- (ج) بروز تغییرات سوء و مضر در اکوسیستم؛ شامل:
۱. هزینه‌های اقدامات معقول اعاده‌ی واقعی وضعیتی که محقق شده یا اقداماتی که باید صورت پذیرد.
 ۲. خسارات زاید بر آنچه که در قسمت یک بدان اشاره شد.
- (د) هزینه‌ی اقدامات بازدارنده و خسارت بیشتری که از آن اقدامات ناشی شود.^{۵۷}

چنین توصیفی از واژه‌ی خسارت، علاوه بر اینکه راه را برای پرداخت غرامت در قبال خسارات زیست - محیطی می‌گشاید، از حیث مضمون و تعیین میزان غرامت نیز، جدید است.

منظور از اقدامات اعاده‌کننده، اعمالی است که وضعیت محیط زیست را به زمان پیش از بروز آلودگی بازمی‌گرداند؛ البته در صورتی که امکان عملی چنین بازگشتی موجود باشد، مثل اجبار به کاشت درختان جدید یا تکثیر ماهی در قبال اعمال خلافی همچون قطع درختان و یا صید بی‌رویه.^{۵۸}

نکته‌ی مهمی که توجه به آن ضروری است میزان خسارتی است که مورد توجه حقوق بین‌الملل محیط زیست است. در این باره توجه به تعریف آلودگی، خود تا حدی راهگشاست. بر طبق ماده یک (بند ع) کنوانسیون ۱۹۸۲ مربوط به حقوق دریاها، آلودگی دریایی عبارت است از:

داخل کردن مواد یا انرژی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در محیط زیست دریایی به وسیله‌ی انسان، که دارای آثار زیان‌بخشی برای منابع زنده و نیز خطری برای سلامت انسان باشد؛ همچنین ضمن ایجاد مانع در فعالیتهای دریایی (از جمله ماهیگیری) به کیفیت آب و مطبوعیت آن لطمه وارد کند.

واضح است که بر اساس این تعریف، هدف حقوق بین‌الملل، جلوگیری از ریزش همه‌ی موادی که به دریا وارد می‌شوند نیست، زیرا بسیاری از مواد مزبور بی‌خطر بوده و یا به

⁵⁷ *Ibid.*, p.368.

⁵⁸ بدیهی است که چنین اعاده‌ی وضعیتی کاملاً واقعی نیست. برای مثال فاصله زمانی میان قطع درختان قبلی و کاشت درختان جدید، و نیز تفاوت سنی ماهی‌های صید شده با ماهیان تکثیر شده خود نشانگر آن است که جبران خسارت به طور کامل صورت نگرفته است. همراه کردن این اقدامات با جریمه‌های مالی و اختصاص این مبالغ به آبادی محیط زیست تا اندازه‌ای این فاصله را کم می‌کند.

سرعت توسط دریا بی‌خطر می‌شوند؛ بلکه این تعریف شامل موادی است که دارای اثرات مخرب هستند.^{۵۹}

با فقدان فرمولی ریاضی و کمی برای تعیین میزان خسارت، کمیسیون حقوق بین‌الملل بر آن است که تأثیر سوء بر اکوسیستم باید قابل تقویم و ارزیابی باشد.^{۶۰} پیش‌نویس اصول رفتاری محیط زیست نیز که برای راهنمایی دولتها جهت استفاده‌ی درست و هماهنگ از منابع طبیعی مشترک میان دو یا چند کشور تدوین یافته، «اثر محسوس» را ملاک قرار داده است.^{۶۱} خلاصه‌ی کلام آنکه «آلودگی باید قابل ملاحظه و ارزیابی، اساسی یا فراتر از سطح معمول قابل اغماض باشد. این شروط انعطاف‌پذیر بر اساس شرایط طبیعی و منطقه‌ای متفاوت هستند.»^{۶۲} برای مثال اثر سوئی که از صید غیرمجاز یک گونه‌ی نادر جانوری بر محیط زیست وارد می‌شود قابل قیاس با صید گونه‌ای دیگر که صرفاً به دلایل زمانی صید آن ممنوع شده است، نیست.

گفتار دوم: ارزیابی خسارت و جبران آن

برآورد خسارت به ارقام، که در حقوق بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است در عرصه‌ی خسارات زیست - محیطی با مشکل مواجه می‌گردد، زیرا عناصر زیست - محیطی را به سختی می‌توان با پول ارزیابی کرد. به دیگر سخن، خسارات وارد شده به محیط زیست به لحاظ از بین رفتن حیات وحش، مستقیماً با معیار پولی قابل اندازه‌گیری نیستند.^{۶۳} شاید به همین خاطر مالیت داشتن عناصر زیست - محیطی در حقوق بین‌الملل محیط زیست لوث شده، و این عناصر از منظر ارزش ذاتی مورد توجه قرار می‌گیرند.

برای حل این معضل مقررات خاصی پیش‌بینی شده است. برای مثال کنوانسیون ۱۹۶۹ بروکسل در مورد مسؤولیت مدنی برای خسارات ناشی از آلودگی نفتی - که از رهگذر پروتکل‌های ۱۹۷۱، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۴ تکمیل و اصلاح شده - از طریق پرداخت

^{۵۹} رابین چرچیل و آلن لو، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه‌ی دکتر بهمن آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۴۱۱.

^{۶۰} *ILCY*, 1982, Vol. II, Part one, pp.79 et seq.

^{۶۱} *Ibid.*, Para. 139.

^{۶۲} Scovazzi, *op.cit.*, p.23.

^{۶۳} Pierre Marie Dupuy, Martine Remond Gouilloud, "The Preservation of the Marine Environment", In Dupuy & Vignes, *A Handbook on the New Law of the Sea*, Vol. 2, Martinus Nijhoff, 1991, p.1164.

مبلغی مشخص اقدام به محدود نمودن سقف مسؤولیت کرده؛ که البته این محدودیت خالی از مشکل نبوده است. بر اساس ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۶۹؛

مالک کشتی می‌تواند با دو هزار فرانک طلا به ازای هر تن از تناژ کشتی، نسبت به محدود کردن سقف مسؤولیت خود اقدام کند، مشروط بر آنکه مبلغ مزبور متجاوز از ۲۱۰ میلیون فرانک طلا نگردد.

این امر دارای برخی ابهامات بود و به همین خاطر در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۶ پروتکلی جهت جایگزین کردن واحد جدیدی به جای واحد قبلی به امضا رسید. بر اساس این پروتکل، واحد جدید، «حقوق برداشت ویژه» (SDR) نام دارد که به وسیله صندوق بین‌المللی پول تعیین شده است.^{۶۴}

با این همه، مشکلات موجود همچنان به قوت خود باقی است. برای مثال در سال ۱۹۷۸ بر اثر خراب شدن سیستم هدایت نفتکش لیبریایی «آموکوکادیز»، این کشتی با سواحل برتانی فرانسه برخورد کرد و ۲۱۰ هزار تن نفت خام آن به دریا ریخت. قربانیان آلودگی ناشی از این کشتی می‌توانستند بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۹ بروکسل به یکی از دادگاههای فرانسه (دادگاه محل وقوع حادثه) مراجعه کنند؛ ولی با توجه به اینکه تقاضاهایشان از سقف پیش‌بینی شده در کنوانسیون مذکور فراتر می‌رفت ترجیح دادند به یکی از محاکم آمریکا - یعنی دادگاه محل اقامت صاحب کشتی - مراجعه کنند. دادگاه ایالت «ایلی نویز» به شکلی دقیق به بررسی مسأله پرداخت. پس از بررسی طولانی، این دادگاه در ۱۹۸۸ اولین تصمیم خود را در ماهیت موضوع، یعنی در مورد «مسؤولیت»، اتخاذ نمود و در رأی خود به مسأله تقاضای جبران خسارت نیز توجه کرد. رأی که در این مورد صادر شد رأی بسیار طولانی بود که در جزئیات به بررسی تقاضاهای به عمل آمده از جانب کلیه طرفها مانند دولت فرانسه، استانهای این کشور، اشخاص خصوصی، انگورکاران، صیادان و مؤسسات دفاع از طبیعت و محیط زیست پرداخت. به طور خلاصه رأی دادگاه، جبران خسارات وارد شده به گروههای مختلف را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

^{۶۴} در مورد مفهوم و ماهیت حقوق برداشت ویژه ر.ک. آیگناتس زایدل هوهن فلدرن، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۷۹، صص ۱۹۲-۱۸۸.

۱. انجام عملیات پاکسازی به وسیله‌ی مأمورین دولتی.
۲. اعطای پاداش به داوطلبان و نظامیانی که از جانب استانها مسؤول پاکسازی شده بودند.
۳. پرداخت هزینه‌ی ابزار و تجهیزات خریداری شده برای پاکسازی.
۴. ترمیم سواحل و بنادر.
۵. پرداخت عدم‌النفع معنوی به اهالی مناطق حادثه‌دیده.
۶. جبران خسارات اقتصادی ناشی از صدمات واردشده به شهرها و مناطق مختلف آسیب‌دیده؛ زیرا شهرهای مذکور به دنبال آسیبهای واردشده با رکود سفر جهانگردان، و در نتیجه بحران اقتصادی مواجه گردیدند.
۷. تقاضاهای انفرادی.
۸. دیگر خسارات واردشده بر محیط زیست.

در مورد برنامه‌های پیش‌بینی شده جهت احیای اکوسیستم‌ها توسط مقامات فرانسوی، دادگاه فقط هزینه‌های مربوط به ورود و تکثیر حیواناتی را که در اثر آلودگی و عواقب ناشی از آن از بین رفته بودند در نظر گرفت.^{۶۵} به دنبال حادثه‌ی «آموکوکادیز»، پروتکل ۲۵ ماه می ۱۹۸۴ سیستم محاسبه‌ی جدید حقوق برداشت ویژه را به عنوان واحد پایه پذیرفت. بر طبق واحد جدید تعیین حیطه‌ی مسؤلیت، متناسب با گنجایش هریک از نفتکشها به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

۳ میلیون SDR برای نفتکشهای با حداقل ۵ هزار تن ظرفیت؛ ۳۷ میلیون و ۴۲۰ هزار SDR برای نفتکشهای بیش از ۵ هزار تن ظرفیت؛ ۴۵ میلیون SDR برای نفتکشهای با ۱۰۵ هزار تن ظرفیت؛ ۵۹۰ میلیون و ۷۰۰ هزار SDR برای نفتکشهای ۱۴۰ هزار تن ظرفیت و بیشتر. باید گفت مقررات جدید، اصلاحات شایان توجهی در پرداخت غرامت به قربانیان از طریق افزایش قابل ملاحظه‌ی سطح غرامت به وجود آورده است. اگر حادثه منجر به خسارت آلودگی، در نتیجه‌ی خطای شخص مالک کشتی باشد، وی نمی‌تواند به محدود بودن مسؤلیت خود استناد جوید (بند ۲ ماده ۵).

علاوه بر این طبق ماده ۲۳۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ مربوط به حقوق دریاها؛ در صورتی که آلودگی به صورت عمدی و جدی در منطقه دریای سرزمینی واقع شود، دولت ساحلی حق وضع و اعمال مجازاتهای پولی را خواهد داشت. مالک هر کشتی ثبت‌شده در هر

⁶⁵ Kiss & Shelton, "International...", *op.cit.*, pp.312-314.

یک از دولتهای طرف قرارداد که به حمل بیش از ۷۰۰ تن مواد نفتی می‌پردازد ملزم به داشتن بیمه‌نامه یا هر نوع ضمانت‌نامه‌ی مالی دیگر است تا در صورت خسارت ناشی از آلودگی بتواند مسؤولیت وی را پوشش دهد.

بی‌تردید با افزایش اهمیت بیمه و تضمینات مالی در عرصه‌ی محیط زیست و رابطه‌ی متقابل آن با فعالیتهای اقتصادی، می‌توان انتظار داشت که این حوزه‌ی حقوقی شاهد توسعه‌ای اساسی در آینده‌ای نزدیک باشد.^{۶۶}

مبحث دوم: خسارات وارد شده بر مشترکات جهانی

در حقوق بین‌الملل، مناطق یا منابعی معین به عنوان قلمروهای آزاد یا مشترکات عمومی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند؛ مثل دریای آزاد و فضای ماوراء آن، بستر و زیر بستر دریاهای واقع در خارج از حیطه‌ی صلاحیت ملی حاکمیت سرزمینی دولتها، فضای ماوراء جو و اجرام آسمانی.

در پرتو تحولات اجتماعی و اقتصادی، ممنوعیت آلودگی فرامرزی، به این قلمروها نیز که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیستند گسترش یافته است.^{۶۷} در واقع دولتها مکلفند از ایراد خسارت به محیط زیست خارج از قلمرو صلاحیت ملی‌شان خودداری کنند. اصل تساوی حقوقی دولتها، که در بند یک ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد بیان شده است، ایجاب می‌کند دولتها به طور منصفانه‌ای از محیط زیست طبیعی استفاده کنند، به نحوی که برای تمام کشورها فرصت استفاده‌ی یکسان از آن فراهم آید.^{۶۸} بر اساس اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم و نیز اصل دوم اعلامیه‌ی ۱۹۹۲ ریو در مورد محیط زیست، دولتها مسؤولند تربیتی دهند تا فعالیتهای انجام‌شده در حیطه‌ی صلاحیت یا نظارت آنها موجب ایراد زیان به محیط زیست مناطق خارج از محدوده‌ی صلاحیت ملی آنها نگردد.

^{۶۶} Institute of International Law, *op.cit.*, p.326.

^{۶۷} Scovazzi, *op.cit.*, p.22.

^{۶۸} برخی نویسندگان، نظریه «منع سوء استفاده از حق» را در این مورد قابل اعمال دانسته‌اند. اما گروهی دیگر نسبت به این امر تردید کرده‌اند و آن را در مورد خسارات زیست - محیطی فرامرزی قابل اجرا نمی‌دانند. این عده معتقدند در حقوق داخلی کشورها نظریه‌ی «منع سوء استفاده از حق» هنگامی به کار گرفته می‌شود که مالک از مال خود صرفاً به منظور ایراد زیان به دیگری استفاده کند؛ وضعیتی که در مورد آلودگی فرامرزی کمتر مصداق می‌یابد. رک.

Henkin, L., & Pugh, R., & Schachter, O., & Smith, H., *International Law*, St Paul, West Pub., 1989, p.1375.

اگرچه تعهد عدم ایراد خسارت به محیط زیست جهانی به لحاظ ماهوی به خوبی استقرار یافته است، اما از لحاظ شکلی هنوز این سؤال باقی است که در صورت وارد شدن خسارت، چه کسی می‌تواند در مقام مدعی قرار گیرد و خسارت چگونه جبران می‌شود. به واقع «اقامه‌ی دعوی در این چارچوب به ویژه به این نکته باز می‌گردد که حقوق و امتیازات جامعه‌ی بین‌المللی چگونه می‌تواند اجرا شود؟»

نخستین گام در زمینه‌ی توجّه به مشترکات جهانی در این عرصه، در کنوانسیون ۱۹۶۹ بروکسل راجع به مسؤلیت مدنی برای خسارات ناشی از آلودگی نفتی، برداشته شد. این کنوانسیون دربرگیرنده‌ی تمام سوانح موجد آلودگی در هر منطقه‌ی دریایی اعم از دریای آزاد، منطقه‌ی انحصاری - اقتصادی، دریای سرزمینی و آبهای داخلی است. با وجود این اگر خسارات صرفاً متوجّه مشترکات جهانی دریایی باشد هیچ دعوی‌ای در قالب کنوانسیون مذکور و اصلاحیه‌های آن - در ۱۹۷۶ و ۱۹۸۴ - قابل طرح نیست.^{۶۹}

خوشبختانه در مورد «منطقه‌ی بین‌المللی اعماق»، ماده ۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، حفاظت از این منطقه در برابر فعالیت‌هایی که در آن صورت می‌گیرد را به «مقام بین‌المللی اعماق» واگذار کرده است. مقام می‌تواند مسؤلیت دولتهایی را که بر خلاف مقررات این کنوانسیون رفتار می‌کنند طرح کرده و تعقیب کند.

اما در مورد سایر مناطق، صلاحیت اقامه‌ی دعوی به عهده‌ی کیست؟ بر اساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «بارسلونا تراکشن» نه صرف یک منفعت متأثر، بلکه تنها یک حق نقض شده بوده که متضمن مسؤلیت است.^{۷۰} دیوان همچنین در قضایای مربوط به آزمایشات اتمی میان استرالیا و نیوزیلند از یک طرف و فرانسه از طرف دیگر در مورد خسارات زیست - محیطی وارد شده بر مشترکات عمومی (دریای آزاد) خاطرنشان ساخت که چنین نقض‌هایی به خودی خود (Per se) بر امتیازات یک کشور خاص تأثیر نمی‌گذارد، بلکه بر کل جامعه‌ی بین‌المللی مؤثر است.^{۷۱} بنابراین «چنانچه تعهد به جلوگیری از ورود زیان به مشترکات جهانی واقعاً یک تعهد عام‌الشمول

^{۶۹} Johnson, S., "Evolving Perceptions and Legal Aspects of the Protection of the Environment in Areas not Subject to National Jurisdiction (Global Commons)", In Al-Naurmi and Mease, *op.cit.*, p.184. ^{۷۰} *ICJ Reports*, 1970, p.36.

^{۷۱} *ICJ Reports*, 1974, pp.253,457.

(Erga omnes) تلقی گردد، حق اقامه‌ی دعوی نیز باید برای هر کشور به رسمیت شناخته شود تا امکان اجرای این تعهد فراهم گردد. با وجود این فعلاً در سطح عام، حق طرح دعوی به نمایندگی از طرف جمع (Actio Popularis) که ناظر به حفاظت از منافع عمومی است حمایتی را در حقوق بین‌الملل کسب نکرده است.^{۷۲} در این موارد اساساً هیچ دولتی نمی‌تواند به تنهایی اقدام کند، زیرا هنوز در سطح بین‌المللی نهادی مشابه نهاد دادستانی موجود در نظامهای حقوقی ملی وجود ندارد. در اغلب نظامهای داخلی دادستان می‌تواند به نام کل جامعه و جهت حفظ حقوق آن، اقامه‌ی دعوی کند. با وجود این در قضیای آزمایشات اتمی، چهار قاضی در عین مجادله برانگیز خواندن حق طرح دعوی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی، آن را قابل استدلال و دفاع حقوقی منطقی تلقی کردند.^{۷۳} قاضی «پترن» (Petren) ضمن پذیرش نظر اکثریت خاطر نشان ساخت که میان ادعای وجود یک تعهد، و انکار اینکه آن تعهد موضوع آیینهای حل اختلاف قرار گیرد، تعارض وجود دارد.^{۷۴}

برخی از معاهدات مربوط به حقوق بشر این مجوز را در خود دارند که نقض آن معاهدات، توسط هر کشور عضو، نزد مراجع قضائی قابل طرح و تعقیب باشد.^{۷۵} در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز از سال ۱۹۷۴ (رای دیوان در قضیه‌ی آزمایشات اتمی) پیشرفتهای شگرفی پدید آمده است و این تحولات به آن مرتبه رسیده‌اند که در دیدگاه سنتی دیوان در دهه‌ی هفتاد تردید ایجاد کرده باشند.^{۷۶} با وجود این مرجح است که صلاحیت حراست از مشترکات عمومی در برابر خسارات زیست محیطی به سازمانهای بین‌المللی سپرده شود که به نفع جامعه‌ی بین‌المللی عمل کنند.^{۷۷} علاوه بر این در حفاظت از مشترکات عمومی در مقابل اعمال اشخاص خصوصی می‌توان به اصل صلاحیت جهانی تکیه کرد که در عرصه‌ی حقوق کیفری تثبیت شده و از

⁷² Barboza, *op.cit.*, p.398.

⁷³ *ICJ Reports*, 1974, p.370

⁷⁴ *Ibid.*, p.303.

⁷⁵ E.G. Ireland, v. UK, *ECHR*, No. 25, 1978, at 90.

⁷⁶ شایان ذکر است که اگر آلودگی و تخریب محیط زیست جهانی از آن‌چنان شدت و گستره‌ای برخوردار باشد که به منزله جرمی بین‌المللی تلقی گردد در آن صورت بر اساس بند ۳ ماده ۴۰ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل، مفهوم دولت زیان‌دیده به معنای تمام دیگر دولتهای عضو جامعه‌ی بین‌المللی است.

⁷⁷ Birnie & Boyle, *op.cit.*, p.157.

شأن و منزلت بالایی برخوردار است.^{۷۸}

مبحث سوم: حق بر محیط زیست سالم و مسؤولیت دولت در حفاظت از محیط زیست کشور خود

فرض کنیم که آلودگی ایجاد شده در سرزمین یک دولت، خسارات محسوسی برای محیط زیست سایر دولتها یا مشترکات جهانی به دنبال نداشته باشد. آیا در این مورد می‌توان اصل حاکمیت سرزمینی دولت را یگانه عامل تعیین سرنوشت محیط زیست کشور خود تلقی کرد. در بادی امر بعید به نظر می‌رسد که بتوان مسؤولیت بین‌المللی دولت مذکور را در قبال دیگر دولتها، یا جامعه‌ی بین‌المللی مطرح کرد؛ زیرا در مورد سایر دولتها آنها متحمل خسارتی نشده‌اند که بتوانند برای جبران آن طرح دعوی کنند (ذی‌نفع نبودن)، و در ارتباط با جامعه‌ی بین‌المللی هم هنوز طرح دعوی به نمایندگی از طرف جمع پذیرفته نشده و نهادی مستقل برای این کار وجود ندارد.

با وجود این همان‌گونه که در عرصه‌ی مسؤولیت بین‌المللی ناشی از اعمال متخلفانه بحث شد؛

ورود خسارت جزء لاینفک مسؤولیت نیست، به شرط آنکه اولاً وجود تعهد بین‌المللی معتبر دولت در زمان نقض اثبات شود. ثانیاً معین شود که نقض آن تعهد قابل انتساب به آن دولت است (ماده ۳ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسؤولیت دولتها).

در این مورد، محل نزاع، اثبات تعهد بین‌المللی دولت در حفظ و حمایت از محیط زیست خود است. از دو دریچه می‌توان این مسأله را مورد توجه قرار داد هر چند هر دو ارتباط نزدیکی به هم دارند: یکی حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، که در این صورت مسؤولیت بین‌المللی دولت در نقض حقوق انسانی اتباع خود مطرح می‌گردد؛ دیگری محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت، قطع نظر از محل استقرار آن به لحاظ جغرافیایی.

بی‌تردید «اگر حقوق محیط زیست مبتنی بر منفعت و علایق مشترک بشریت است باید گفت که این منفعت در حقوق شناخته‌شده برای افراد نیز منعکس است، لذا تضادی

⁷⁸ Boyle, A.E., "Remedying Harm to International Common Spaces and Resources: Compensation and other Approaches", In Wetterstein, P. (ed.), *Harm to the Environment: The Right to Compensation and the Assessment of Damages*, Oxford, 1997, p.100.

بین این دو، در طرح و بررسی مسأله وجود ندارد. رعایت جهانی حقوق و آزادیهای بنیادین افراد، جزئی از علایق و منافع مشترک بشریت است.^{۷۹} حقوق بشر که با انتشار اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ و میثاقهای ۱۹۶۶ جایگاهی رفیع در نظام بین‌المللی به خود اختصاص داد، در سال ۱۹۷۲ در اعلامیه‌ی استکهلم با محیط زیست رابطه و پیوندی اساسی برقرار کرد. در ماده یک این اعلامیه آمده است:

انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه‌ی زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانانه را بدهد برخوردار است. او رسماً حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آینده را بر عهده دارد.

همچنین پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی سازمان ملل متحد (۱۹۸۲)، دارا بودن حق بر محیط زیست را یکی از آشکال حرمت حیثیت انسانی تلقی کرد که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسلهای آینده است. بر اساس ماده ۱۵ این پیش‌طرح؛ دولتهای عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کند.

منشور جهانی طبیعت اصول ۱۴ تا ۲۴ خود را به نحوه‌ی به کار بستن و اجرای اصول مربوط به دارا بودن حق بر محیط زیست و حفاظت از آن اختصاص داده است. همچنین مواد یک و ده اعلامیه‌ی ریو نیز حاوی قواعدی مشابه هستند. بر این اساس «می‌توان حقوق بین‌الملل محیط زیست را آمیزه‌ای از مفاهیم انسانی و اکتشافات علمی دانست.»^{۸۰}

شاید حقوق بین‌الملل عرفی در پاسخ به این احساس عمیق و غیرملموس، در حال حرکت در این مسیر بوده است که انسانها با محیط زیست طبیعی‌شان در حال مقابله نیستند بلکه به آن تعلق دارند.^{۸۱} روشن است که با به خطر افتادن محیط زیست انسان،

^{۷۹} امیرارجمند، همان، ص ۳۴۴.

^{۸۰} Kiss & Shelton, "International..." *op.cit.*, p.377.

^{۸۱} Agora: What Obligation does our Generation owe to the next? An approach to Global Environment Responsibility: D'Amato, "Do we owe a duty to future Generations to preserve the Global Environment?", *AJIL.*, 1990, Vol. 84, p.198.

بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حق انسانی یعنی حق حیات وی نیز به مخاطره می‌افتد. به همین خاطر «هر دولتی باید حیات اجتماعی را چنان سامان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه‌های طبیعی حیات باشد. از این رو این مسأله که ما در قبال نسلهای آینده مسؤول هستیم در وهله‌ی اول متوجه دولت است و آن را ملزم می‌دارد تا با اتخاذ سیاستی در سطح ملی و بین‌المللی این مسؤولیت را اجابت کند.»^{۸۲} در این عرصه هنوز در آغاز راه هستیم و با وجود تکوین قاعده‌ی مورد بحث، تا زمان دستیابی به مکانیسم اجرایی عام و مؤثر برای تضمین آن، راه درازی در پیش است.

تلقی محیط زیست به عنوان «میراث مشترک بشریت» نیز قابل تأمل می‌نماید. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم بین عناصر گوناگون تشکیل‌دهنده‌ی محیط زیست، وحدت و همبستگی کامل برقرار است. به همین دلیل است که اسناد متعدد بین‌المللی بر همکاری بین‌المللی و نیاز به وضع مقررات و قوانین مشابه، تأکید می‌نهند (اصل ۲۴ اعلامیه‌ی استکهلم و اصول هفتم و یازدهم اعلامیه ریو).^{۸۳}

بدین لحاظ تعهد عام همکاری در مسائل زیست - محیطی که از جمله شامل اطلاع‌رسانی، مشورت، مذاکره و مساعدت مشترک است، خود ریشه در این واقعیت دارد که محیط زیست میراث مشترک بشریت است، نه جولانگاهی که دولتها فارغ از هر قید و بندی در آن به فعالیت بپردازند. این اندیشه که محیط زیست ارزش اصلی و ذاتی دارد راهی دشوار را طی کرده است. ماده ۳ پروتکل ۱۹۹۱ در مورد حمایت از محیط زیست، (الحاقی به معاهده‌ی قطب جنوب)، ارزش ذاتی آن منطقه را مورد توجه قرار داده است. عبارتی مشابه نیز در کنوانسیون ۱۹۹۲ در مورد تنوع بیولوژیک به چشم می‌خورد. لیکن این عبارت نباید ارزشی مستقل از افراد انسانی را به ذهن متبادر سازد، زیرا مثلاً گونه‌های گیاهی و جانوری بدون وجود افراد بشر هیچ مفهومی نخواهند داشت.^{۸۴}

⁸² Gundling, L., "Our Responsibility to Future Generations", *AJIL*, *Ibid.*, p.212.

⁸³ تعهد به همکاری به منظور دستیابی به منافع متقابل کشورهای ذی‌نفع و تأمین منافع کل جامعه‌ی بین‌المللی، خود در قالب عمل بر اساس حسن نیت متجلی می‌شود. Scovazzi, *op.cit.*, p.27.

⁸⁴ Barboza, *op.cit.*, p.383.

نتیجه‌گیری

دکترین‌های حقوقی مبانی متعددی برای خلق و ایجاد تحول در قواعد حقوقی برمی‌شمرند. یکی از اسباب توسعه‌ی قواعد حقوقی، واکنش در برابر تهدیدها و مخاطرات است. حقوق بین‌الملل محیط زیست دقیقاً در این چارچوب نضج گرفته و تکامل یافته، تا به جایگاه فعلی رسیده است.

پیشرفت علم و تکنولوژی علاوه بر آثار مخربی که برای محیط زیست در پی داشته است، نقشی اساسی نیز در تسریع تحول حقوق ناظر به آن ایفا کرده است. برای مثال اگر انسان به دستگاه‌های پیشرفته‌ی عکسبرداری از جو مجهز نمی‌گشت شاید هنوز متوجه تخریب لایه ازن نشده بود.

عامل دیگری که به عنوان محرکی قوی برای توسعه و پیشرفت حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌رود، ارتقای شأن و منزلت حقوق بشر از سال ۱۹۴۸ و شناسایی تدریجی حق انسان بر محیط زیست سالم در قالب اسناد و کنفرانسهای بین‌المللی، و قوانین داخلی کشورها بوده است. این دستاوردها هرچند به لحاظ اجرایی هنوز به طور کامل استقرار نیافته‌اند، اما نباید اهمیت آنها ناچیز جلوه داده شود چرا که به بهایی گزاف به دست آمده‌اند. توسعه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست، دولتها را مکلف به حمایت و حفاظت از محیط زیست طبیعی کرده است؛ امری که بسی فراتر از حقوق بین‌الملل سنتی، یعنی تعهد وارد نکردن خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا جبران خسارت است.

حمایت از محیط زیست تا بدان میزان مهم و ضروری است که قالب مسئولیت بین‌المللی سنتی مبتنی بر تقصیر و ارتکاب عمل خلاف متزلزل و از حدود چهار دهه‌ی قبل مسئولیت عینی - که تنها مستلزم اثبات رابطه‌ی سببیت میان عمل خلاف و خسارات وارد شده بر محیط زیست است - جایگاهی رفیع در رویه‌ی دولتها، رویه قضائی و داوری بین‌المللی، اسناد بین‌المللی و حتی قوانین داخلی، به دست آورده است.

جالب توجه اینکه کمیسیون حقوق بین‌الملل با مطرح ساختن مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل، گامی فراتر در حمایت از محیط زیست برداشته است. در واقع در پرتو نظریه‌ی مسئولیت عینی، محاکم قضائی و داوری از زیر بار اثبات عنصر ذهنی مسئولیت، یعنی خطا و تقصیر فاعل عمل زیانبار، رهایی یافتند و

در قالب مسؤولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده، بنیان عنصر عینی مسؤولیت، یعنی لزوم اثبات نقض تعهد، سست گردیده است. بر این اساس مسؤولیت بین‌المللی را در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌توان تکلیفی دانست که به یکی از تابعان آن نظام تحمیل می‌شود تا خسارات وارد شده بر محیط زیست را جبران کند. همچنین از رهگذر مفهوم جدید مسؤولیت، هم مانعی مستقیم در راه پیشرفت علم و تکنولوژی ایجاد نمی‌شود، و هم خسارات وارد شده بر محیط زیست جبران می‌گردد و به توازن و تعادلی مناسب در حقوق و منافع عامل ورود خسارت و طرف زیان‌دیده دست می‌یابیم. علاوه بر این حقوق بین‌الملل موضوعه با انگشت نهادن بر نتیجه‌ی اعمال، یعنی ورود خسارت، و اتخاذ تعبیری گسترده از مفهوم خسارت و جبران آن، پیشرفت قابل توجهی را شاهد بوده است.

با وجود این، اگر چه حقوق بین‌الملل محیط زیست توانسته تحولی اساسی در مبانی مسؤولیت بین‌المللی ایجاد کند و جایگاهی ویژه در عرصه‌ی رو به رشد مسؤولیت بین‌المللی کیفری به خود اختصاص دهد، ولی هنوز از مکانیسم اجرایی مؤثری برخوردار نیست. در بُعد مسؤولیت مدنی تلاشهای زیادی از طریق ایجاد صندوقهای جبران خسارت، تضمینها و بیمه‌های اجباری و تغییر بار اثبات مسؤولیت صورت گرفته است و تأکید بسیاری بر همکاری بین‌المللی در زمینه‌های اطلاع‌رسانی، مذاکره، مشورت، مساعدت و... شده است. با اینهمه هنوز از اتخاذ کنوانسیون عام و جهانی بی‌نیاز نگشته‌ایم. تشکیل کنفرانسهای ۱۹۷۲ استکهلم و ۱۹۹۲ ریو تأکیدی بر این ضرورت هستند.

اگر در عرصه‌ی مسؤولیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل محیط زیست بیشتر تأثیرگذار بوده است، در چارچوبی دیگر عامل تأثیرپذیر قلمداد شده است. حقوق بشر که حق بر محیط زیست سالم، بخشی از آن به شمار می‌رود، با پشت سر گذاشتن اصل عمل متقابل (Reciprocity) تعهدات بلاعوض را در جهت منافع مشترک بشریت گسترش داده است. هدف و غایت این قواعد، تنظیم مستقیم روابط بین دولتها (تابعان حقوق بین‌الملل) نیست، بلکه هدف، پیوند این تلاشها و ایجاد همکاری میان آنها به منظور بهبود سرنوشت و زندگی بشریت است.^{۸۵}

^{۸۵} امیرارجمند، همان، صص ۳۴۳-۳۴۴.

این حقیقتی است انکارناپذیر، که ما کره‌ی زمین را از والدینمان به ارث نمی‌بریم بلکه آنرا از بچه‌هایمان عاریه می‌گیریم. امید آنکه در چارچوب تلاشهای اخیر، تعهد حمایت و محافظت از محیط زیست، نه صرفاً در روابط میان دولتها، بلکه به عنوان میراث مشترک بشریت و تعهد در مقابل جامعه جهانی استقرار یابد و با تحکیم بخشهای پیشرفته‌ی مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات واردشده بر محیط زیست، حمایتی واقعی ارزانی محیط زیست جهانی شود.



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. 1, NO.1

2002 / 1

Articles

- The Commercial Code of Iran and Necessity of its Amendment
- Development of International Responsibility in Shadow of International Environmental Law
- Reflections on Legal Place of the Supreme Administrative Council and Hierarchy of its Regulations
- Abusive Clauses in General Rules of Contracts
- International Law and Politics

Special Issue: Press Law

- Press Crimes (Around - table)
- Legal Limits of Liberty of Press in USA during of War
- The Civil and Criminal Liability Regime of Press in French Law
- The Press Complaints Procedure in the British Law

Report

- The First Conference on Teaching and Research of International Law in Asia
- The S.D. Institute of Law, Research & Study



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study